مجوز کارگردانی به یک اینفلوئنسر بحث‌ها درباره سیاست کلان سینمای ایران را داغ کرد
حاکمیت پول بر سواد و رشد عقلانی افراد پیروز شده است؟

کارگردانی سینما با پول؟

میلاد جلیل‌زاده
روزنامه‌نگار

طی روزهای اخیر صدور پروانه ساخت برای یک فیلم‌اولی بسیار جنجال به پا کرد. این فیلم‌اولی محمدامین کریم‌پور، یکی از اینفلوئنسرهای مجازی و طبق تعبیر مشهور در این روزها، یک شاخ اینستاگرامی است. این شاخ اینستاگرامی حالا پروانه ساخت فیلم سینمایی گرفته و نامش در کتاب کارگردانان سینمای ایران، درکنار کهکشانی از اسامی درخشان، از عباس کیارستمی تا رسول ملاقلی‌پور و ابراهیم حاتمی‌کیا و از بهرام بیضایی تا اصغر فرهادی و حمید نعمت‌الله قرار می‌گیرد.بحث درمورد این فعال مجازی که حالا می‌خواهد کارگردان شود، موضوعات دیگری را هم پیش خواهد کشید که عمدتا به اینستاگرام مربوط می‌شوند. شاید طرح این مباحث مجال و مقال جداگانه‌ای بطلبد، اما در اینجا باید هرچند گذرا، قبل از بحث صدور پروانه ساخت فیلم سینمایی توسط وزارت ارشاد، به این پرسش اشاره کرد که چرا افرادی مثل او با اداهای خیلی سطح پایین در فضای مجازی، بیشترین دنبال‌کننده‌ها را دارند؟ در سال‌های اخیر کلیپ‌های هزل اینستاگرامی با کمترین کیفیت ممکن، به‌واقع بسیار بیشتر از آنچه قابلیت واقعی‌شان باشد موردتوجه قرار گرفته‌اند؛ اما به راستی کدام خلأ باعث می‌شود تا این حد به چنین کلیپ‌هایی توجه شود؟ احتمالا این جای خالی طنز آیتمی در تلویزیون ایران است که به مبتذل‌ترین شکل ممکن در اینستاگرام پر می‌شود. اگر خوب بگردیم، نهایتا به این نکته خواهیم رسید که کم‌کاری‌ها یا رفتارهای غلط در سینما و تلویزیون ایران بخش عمده‌ای از اسباب ایجاد وضع موجود را فراهم کرده‌اند و حالا چیزی که معلول این کم‌کاری‌ها و خطاها بوده و خودش می‌تواند علت فجایع فرهنگی هولناک‌تر از این، در آینده باشد، در موردی مثل محمدامین کریم‌پور نمادی برای یک اعتراض فراگیر و فروخفته قدیمی می‌شود.چنین اتفاقی همان‌طور که توقع می‌رفت، حجم گسترده‌ای از واکنش‌های منفی را در فضای اجتماعی و رسانه‌ای ایران برانگیخت. دفاع تمام‌قد بهمن حبشی، مدیرکل نظارت بر تولید فیلم و عضو شورای پروانه ساخت، از تصمیم وزارت ارشاد درخصوص صدور مجوز کارگردانی سینما برای یک شاخ مجازی، به‌طور سرراست‌تر و مستقیم‌تر مشخص کرد که مسئول ایجاد چنین وضعی کدام نهاد و چه کسانی هستند. یک روز از اظهارنظر حبشی نگذشته بود که محمدمهدی طباطبایی‌نژاد، معاون ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی و رئیس شورای‌عالی اکران هم از این تصمیم دفاع کرد و گفت که پروانه ساخت محمدامین کریم‌پور، با اکثریت قاطع آرا در شورای پروانه ساخت صادر شده است.

سینما،نخواب!

در ابتدای همین هفته روزنامه «فرهیختگان» پرونده‌ای درباره بیکاری عوامل سینما بر اثر شیوع کرونا و آسیب‌های مالی ناشی از آن منتشر کرد. در این پرونده به وضع عوامل پشت‌صحنه سینما پرداخته شد، نه چهره‌های مشهورتر. کسانی که در نشست خبری فیلم‌ها جلوی خبرنگاران نمی‌نشینند و معمولا رسانه‌ای با آنها گفت‌وگو نمی‌کند. حالا عمده آسیب‌های مالی ناشی از کرونا هم متوجه همین گروه شده است. در مصاحبه‌های این پرونده مشخص شد که کار تولید در این ایام چندان متوقف نشده اما بیکاری عوامل سینما و مشکلات مالی‌شان پابرجاست. یک دستیار کارگردان باسابقه اما جوان سینمای ایران، در گفت‌وگوی منتشرشده‌اش در همین پرونده می‌گفت اخیرا کار را به عوامل غیرحرفه‌ای خارج از صنوف سینمایی می‌سپارند و استدلال می‌کرد وقتی کیفیت فنی در سینمای ایران اهمیتش را از دست داده باشد، حامیان مالی پروژه‌ها به راحتی می‌توانند کار را به افراد غیرحرفه‌ای، حتی مثلا آشنایان و بستگان‌شان بسپارند؛ چون خروجی کار به لحاظ کیفی هرچه باشد، کسی قرار نیست به جایی جواب پس بدهد. این دستیار کارگردان گفت که اتفاقا در ایام کرونا صدور پروانه ساخت فیلم‌های سینمایی بیشتر شده است. دانش اقباشاوی که رئیس انجمن دستیاران کارگردان در خانه سینماست، در یکی‌دیگر از گفت‌وگوهای این پرونده صراحتا می‌گفت دولت قصد دارد به هر ترتیب نگذارد تولید در سینمای ایران متوقف شود و از برخورد دستگاه اجرایی با پاندمی ویروس کرونا انتقاد می‌کرد.

می‌شود نتیجه گرفت حالا که کرونا آمده و خیلی از حرفه‌ای‌های سینما علاقه‌ای به کلیدزدن پروژه‌های سینمایی و به خطر انداختن جان عوامل ندارند، وزارت ارشاد برای نخوابیدن روند تولید در سینمای ایران و عادی نگه‌داشتن وضعیت، خیلی راحت‌تر به کسانی پروانه ساخت می‌دهد که در شرایط عادی ممکن بود به سدهای مختلفی دراین خصوص بر بخورند.یک روز بعد از جنجال‌های اعطای پروانه ساخت برای محمدامین کریم‌پور بود که محمدرضا لطفی، منتقد و کارگردان سینما، راجع به شورای پروانه ساخت و فعالیت‌هایش در دوران کرونا نوشت: «در جلسه قبل‌تر (شورای پروانه ساخت) ۶ پروانه ساخت و در جلسه آخر هشت پروانه ساخت فیلم صادر شده است. رقمی که هرگز در روزهای عادی هم به این تعداد نمی‌رسید و بارها جلسات شورا به دلایل مختلف تشکیل نمی‌شد. اما حالا چه اتفاقی افتاده است؟ غیر از این است که همه خوب می‌دانیم تعداد زیادی از این پروانه‌های صادرشده در شرایط فعلی به مرحله تولید نمی‌رسند؟ غیر از این است که می‌خواهیم تظاهر به زنده بودن سینما و چرخش پرشور چرخ سینما کنیم و همه‌چیز را عادی جلوه دهیم؟ واقع‌بینانه نگاه کنیم. کمتر از یک ماه دیگر محرم است و بعدتر هم فصول سرد سال که مسئولان بهداشتی مدام هشدار تشدید بیماری کرونا در آن روزها را می‌دهند، پس عملا اکران ۹۹ تمام شده است و تازه وضعیت اکران بهار سال آینده هم چندان روشن نیست. هیچ فکر کرده‌ایم که این حجم از تولیدات سال گذشته و حتی فیلم‌های جامانده از سال‌های قبل‌تر و این فیلم‌هایی که شش‌تا و هشت‌تا پروانه ساخت‌هایش صادر می‌شود، کجا، کی و چطور قرار است اکران شوند؟» لطفی در پایان این متن نوشت: «ظاهرا دوستان با علم به احتمال بالای ۹۰ درصد برگزارنشدن جشنواره فجر ۳۹، عملا از حالا ماموریت خود را تمام‌شده می‌دانند و موضوع حجم فیلم‌های اکران‌نشده را هم معضل گروه بعدی قلمداد می‌کنند. پس بدین‌شکل تنها می‌خواهند بگویند که سینما پرشور و نشاط و زنده است.» اظهارنظر عوامل مختلف سینما درباره نوع برخورد سازمان سینمایی با پدیده کرونا، در تمام موارد تقریبا به یک نتیجه‌گیری می‌رسد. اما این حاتم‌بخشی‌ها در مورد پروانه ساخت، منجر به این نشده که مشکلات مالی عوامل سینما برطرف شود. آن دسته از عوامل غیرحرفه‌ای فیلم‌ها که سهیل برخورداری، دستیار کارگردان، می‌گفت وارد پروژه‌های اخیر شده‌اند تا دیروز در حد دستیاران شاخه‌های مختلف بودند؛ یعنی دستیار گریم دستیار صدا، دستیار تصویربردار و... اما حالا این خبر که صندلی کارگردانی هم به یک اینفلوئنسر داده می‌شود، رسما به وضعیت موجود سینمای ایران چهره‌ای آخرالزمانی می‌دهد. پیش از این مشاهده شده بود که بعضی از سلبریتی‌ها کتاب شعر یا داستان منتشر می‌کنند و همین‌ها هم واکنش‌های منفی بسیاری را برانگیخته بود. عنوان شاعر، نویسنده و فیلمساز؛ چیزهایی نیستند که جامعه ما دم‌دستی‌شدن‌شان را به راحتی بپذیرد و آن‌دسته از نظریه‌های رادیکال فردگرایانه که آزادی عمل مطلق را در هر زمینه‌ای حق همه می‌دانند، نتوانستند جامعه را قانع کنند که یک سلبریتی کتاب شعری بسیار ضعیف منتشر کند و انتظام و سلسله‌مراتب بازار ادب را به هم بریزد؛ همان‌طور که درباره عنوان کارگردانی سینما هم چنین چیزی از فیلتر افکار عمومی ایران عبور نخواهد کرد.

داغ بر دل نشسته!

شاید تصور شود به کمک جمعیت انبوه کسانی که دنبال‌کننده این سلبریتی‌ها و شاخ‌های مجازی هستند، می‌شود در جهت ایجاد مشروعیت اجتماعی برای این افراد تلاش کرد اما قابل‌کتمان نیست که تعداد مخالفان این وضعیت در جامعه ما می‌تواند بسیار بیشتر از این دنبال‌کننده‌های سرگرمی‌جو باشد؛ چنان‌که آخرین آمارها نشان می‌داد ۵۱ درصد از جوانان بین ۱۸ تا ۳۰ ساله ایرانی، اصلا اینستاگرام ندارند. به‌علاوه، از دیرباز این دغدغه وجود داشته که نباید اجازه داده شود هرم فرهنگی اجتماع سروته شود. اینکه تعیین‌کننده سبک زندگی و لیدرهای فرهنگی کدام گروه از جامعه باشند، نکته مهمی است. بدیهی است افراد نخبه‌تر سزاوار چنین جایگاهی هستند، نه شیفتگان شاخ‌های مجازی.صدور پروانه ساخت سینمایی برای محمدامین کریم‌پور خبر شوکه‌کننده‌ای بود که به شکلی پررنگ، تمام داغ‌دل‌های گذشته را دوباره زنده کرد و به‌علاوه، توانست به نمادی از نتیجه نوع مدیریت دولتی در سینما طی سال‌های اخیر تبدیل شود. اینکه برای زنده‌نمایی از وضعیت سینما، پروانه ساخت تا این حد راحت و به هرکسی که از راه رسید اعطا شود، اینکه کیفیت هنری و فنی کارها تا چه حد در نظر مدیران دولتی کم‌اهمیت است و صرفا به کمیت و پرکردن بیلان‌ها فکر می‌شود، اینکه دولت نه‌تنها به وظیفه‌اش درخصوص زیرساخت‌های فرهنگی، یعنی کشف و تربیت استعدادها توجه کافی نکرده، بلکه اجازه داده است عنوان کارگردانی در سینمای ایران خریدنی شود، همه مسائلی هستند که در مورد محمدامین کریم‌پور در بالاترین درجه نمود پیدا کردند و باعث شدند او به مجسمه وضع موجود در وسط میدان اعتراض‌ها تبدیل شود. صدور این پروانه ساخت، گذشته از همه بحث‌های دیگر، دلخوری‌های قدیمی خیلی از علاقه‌مندان به فیلمسازی در سینمای ایران را هم تازه کرد. سال‌های سال است عنوان می‌شود دیگر معیارها برای ورود به سینمای ایران شایسته‌سالارانه نیست و همین قدری به ساختار فیلمسازی کشور آسیب زده که بیم فروپاشی آن در دوره‌های بعد می‌رود. اینکه یک نفر بتواند با پول عنوان کارگردانی در سینمای ایران را بخرد، به کل حیثیت چنین عنوانی صدمه می‌زند؛ اما مهم‌تر از آن، اینکه کسی بدون پول، هرقدر هم بااستعداد و حتی نابغه، نتواند این عنوان را کسب کند، دیگر یک فاجعه تمام‌عیار است.

شرایط دریافت پروانه‌ساخت برای فیلم‌های اول

۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۴ بود که وزارت ارشاد بیانیه‌ای داد و شرایط دریافت پروانه‌ساخت فیلم‌های اول را چنین بیان کرد: «طبق مصوبه شانزدهم اردیبهشت ۹۴ شورای صدور پروانه‌ساخت سازمان سینمایی در سال جاری، به‌منظور تسهیل در امور متقاضیان، بررسی صلاحیت کارگردانان اول در دومرحله انجام می‌گیرد.

در مرحله اول، فیلمسازان متقاضی می‌توانند درخواست خود را همراه با مدارک مربوطه، شخصا به دبیرخانه شورای پروانه‌ساخت ارائه کنند.

تایید صلاحیت کارگردانی برای کارگردانان اول، با کسب حداقل ۶۰ امتیاز، براساس جدول زیر صورت می‌گیرد:

نمونه کار ۵۰ امتیاز، تحصیلات سینمایی و مرتبط ۱۰ امتیاز، دستیار کارگردانی سینمایی ۱۵ امتیاز، جوایز و حضور در جشنواره‌ها ۱۰ امتیاز، دیگر فعالیت‌های فرهنگی و هنری در سینما تا ۱۵ امتیاز.

در مرحله دوم، پس از تایید صلاحیت کارگردانی فیلم اول، تهیه‌کنندگان حرفه‌ای متقاضی تولید اثر با کارگردانان اول، حداکثر سه‌ماه پس از صدور مجوز کارگردانی می‌توانند درخواست خود را به دبیرخانه شورای پروانه‌ساخت ارسال کنند.

کارگردانان اول با ارائه حداقل سه‌نمونه کار وسوابق مندرج در جدول ارزیابی، می‌توانند متقاضی صدور مجوز کارگردانی شوند.

شروط نمونه کارهای ارائه‌شده:

الف) دربین نمونه آثار ارائه‌شده، حداقل یک فیلم نمایشی، با مدت زمان حداقل ۱۰ دقیقه الزامی است.

ب) ارائه شناسنامه کامل فیلم اعم از: سال تولید، مدت زمان فیلم، سرمایه‌گذار، عوامل تولید و...

ج) متقاضیان تهیه‌کنندگی اول نمی‌توانند تهیه‌کننده کارگردانان اول باشند.

د) تقاضای صدور پروانه جدید برای کارگردانان اول، پس از صدور پروانه نمایش و ارزیابی آن توسط شورای پروانه‌ساخت، قابل بررسی است.»

واضح است که کریم‌پور نه دستیار کارگردان بوده، نه جوایز سینمایی برده و در جشنواره‌ها حضور داشته و نه دیگر فعالیت‌های فرهنگی و هنری در سینما را در کارنامه دارد. بااین‌حال او ۶۰ امتیاز برای پروانه‌ساخت فیلم اول لازم دارد، یعنی امتیاز نمونه کار (۵۰ امتیاز) و امتیاز مدرک تحصیلی (۱۰ امتیاز) را کاملا احتیاج دارد.

حالا نه امکان راستی‌آزمایی درباره نمونه کارهای او برای منتقدانش وجود دارد و نه کسی جز اعضای شورای پروانه‌ساخت امکان این را داشته که مدرک تحصیلی‌اش را بررسی کند. حتی اگر این موارد هم منع قانونی نداشته باشند، مساله اصلی اینجاست که شأن فعالیت سینمایی تا این حد پایین آمده و وزارت ارشاد از آن صیانت لازم را نکرده است. درحال حاضر می‌شود پرسید که خاصیت و کارکرد پروانه‌ساخت چیست که حتی کسی مثل کریم‌پور می‌تواند راحت آن را دریافت کند؟ این درحالی است که افراد بااستعداد اما بی‌بهره از امکانات مالی، امکان ساخت فیلم سینمایی را ندارند. در یکی از بندهای قانون اخذ پروانه‌ساخت آمده که «متقاضیان تهیه‌کنندگی اول نمی‌توانند تهیه‌کننده کارگردانان اول باشند» و این می‌تواند راه را برای کاسبی تهیه‌کننده‌هایی هموار کند که از علاقه‌مندان به‌عنوان «کارگردانی» پول می‌گیرند و قبول می‌کنند مقدمات قانونی برای تولید کارشان را فراهم کنند. مدافعان و منتقدان وضع موجود تقریبا همگی می‌دانند مورد محمدامین کریم‌پور تنها به این جهت که حداعلای یک ضعف ساختاری عمده را نشان می‌دهد، تا این اندازه مورد توجه قرار گرفته وگرنه چنین اتفاقاتی پیش از این هم رخ داده‌اند. منوچهر هادی، کارگردان فیلم‌هایی مثل «من سالوادور نیستم» و «رحمان ۱۴۰۰» که به‌دلیل ابتذال در نوروز ۱۳۹۸ اکران آن توقیف شد، از ورود کریم‌پور به‌وادی کارگردانی استقبال کرد و درباره‌اش نوشت (اشتباهات نگارشی مربوط به نویسنده متن است و برای حفظ امانت در نقل‌قول، عینا منعکس می‌شوند): «محمدامین عزیز خیلی خوش اومدی به سینما. هیچ‌کس حق نداره به ورود تو معترض باشه؛ نه تو نه هیچ کس دیگه، چه فوتبالیست چه خواننده چه موزیسین چه چهره فعال اینستاگرامی... کسی که فیلمنامه‌ای رو انتخاب میکنه و اون فیلمنامه مجوز میگیره و خودش مدرک سینما داره و سرمایه یک فیلم سینمایی رو تامین میکنه و تهیه‌کننده کارش خود نویسنده و کارگردان سینماست (جناب رضا کریمی) و در شورای پروانه‌ساختی که جناب فریدون جیرانی در اون حضور داره و ایشان روتایید میکنه کافی است و درنهایت کسی که به این مرحله میرسه در سینمای ایران باید بهش اسکار داد. ایشالله فیلم خوبی خواهد شد و تو هم فیلمساز خوبی. هر کمکی از من خواستی محمدامین عزیز در خدمتم.»

دفاع منوچهر هادی از کریم‌پور دستمایه جدیدی برای منتقدان او فراهم کرد؛ چه اینکه آنها به سبک فیلمسازی هادی هم انتقاداتی جدی داشتند.

این شاخ از کجا درآمد؟

محمدامین کریم‌پور کیست؟ او متولد هفتم مرداد ۱۳۷۳ در تهران است. طبق چیزی که خودش سال ۱۳۹۵ در مصاحبه‌اش با شبکه ویدئویی تی‌وی‌پلاس به‌عنوان یک «شاخ مجازی» گفت، لیسانس رشته برق الکترونیک از دانشگاه علمی- کاربردی دارد. حالا بهمن حبشی، مدیرکل نظارت بر تولید فیلم و عضو شورای پروانه ساخت می‌گوید که کریم‌پور فوق لیسانس سینما دارد. این ادعا البته از هیچ منبع دیگری تایید نشده و بر فرض صحت، نشان می‌دهد که کریم‌پور صرفا در مقطع فوق لیسانس این رشته را تحصیل کرده است و هیچ سابقه سینمایی دیگری ندارد. کریم‌پور حتی می‌گوید که دنبال فعالیت ورزشی بوده و در فضای نمایشی اینستاگرام هم به‌طور اتفاقی قرار گرفته است. طبیعتا در جست‌وجو راجع‌به جزئیات زندگی فردی مثل محمدامین کریم‌پور، به چیزی شبیه زندگی‌نامه متعارف هنرمندان برنمی‌خوریم. او حتی در ابتدای این مصاحبه با تی‌وی‌پلاس، وقتی با درخواست ارائه بیوگرافی‌اش مواجه می‌شود، معنی واژه بیوگرافی را نمی‌داند و مجری برایش توضیح می‌دهد که معنی این پرسش چیست. به‌هرحال کریم‌پور می‌گوید: «بچه اکباتان هستم.» و درباره مشهور شدنش چنین توضیح می‌دهد که «فعالیت طنز و هنری را از دوران دبیرستان با فیسبوک شروع کردم و از همان اول پنج هزار فرند (دوست فیسبوکی) خوب داشتم، عکس می‌گذاشتم و فعالیت می‌کردم تا اینکه معروف شدم.» او اضافه می‌کند: «من هیچ‌وقت به درآمد و پول درآوردن از این راه فکر نمی‌کردم و کلا در فکر فوتبال بودم و هرروز می‌رفتم یک‌جا تست می‌دادم تا بتوانم فوتبالیست بشوم.» حالا مشخص می‌شود که ظاهرا کارگردان سینما شدن، عملی‌تر و ممکن‌تر و آسان‌تر از فوتبالیست شدن، حتی در دسته سه است. البته به شرط اینکه فرد موردنظر، برای این کار پول کافی داشته باشد...

محمدامین کریم‌پور چون نتوانست فوتبالیست شود، سراغ کارهای نمایشی و هنری آمد، در مردادماه ۹۶ با همکاری عرفان علیرضایی، کارگردانی یک نمایش کمدی به‌نام «این سه تا گرامی» را انجام داد که در تالار اریکه ایرانیان روی صحنه رفت. یک تئاتر آزاد با فضایی به‌شدت مبتذل که در ۲۸ اجرا بیش از ۵۰۰ میلیون تومان فروش داشت ولی ۶ اجرای آخر آن به‌دلیل لغو مجوز از وزارت ارشاد انجام نشد. کریم‌پور در سال ۱۳۹۷ در فیلمی به نام «سرکوفت» به کارگردانی کریم رجبی بازی کرد. فیلمی که در یک دورهمی غیرحرفه‌ای ساخته شد و اگر بتوان روی تئاتر آزاد، عنوان تئاتر را گذاشت، به آن هم می‌شود عنوان فیلم را داد. محمدامین کریم‌پور خارج از اینستاگرام فرد مطرحی نیست و فعالیت‌های چشمگیری، چه مثبت و چه منفی ندارد. او البته اخیرا بسیاری از پست‌های اینستاگرامی‌اش را حذف کرده و این می‌تواند با تصمیمش برای کارگردان شدن مرتبط باشد. کارهایی که کریم‌پور برای تبلیغ فروشگاه افق کوروش ساخته، از صفحه او حذف نشده‌اند و باید در ادامه مشخص شود که آیا سرمایه‌گذار فیلم او هم شرکت گلرنگ رسانه است و آیا پردیس سینمایی کوروش، فیلم محمدامین کریم‌پور را درصورت ساخته شدن، از رانت اکران بهره‌مند می‌کند یا نه.

به‌هرحال پس از انتشار خبر صدور این پروانه ساخت جنجالی، کریم‌پور پاسخگوی هیچ کدام از رسانه‌هایی که قصد داشتند با رویکرد انتقادی از او پرسشگری کنند، نبود و تنها با سایت سلام سینما که در جایگاه دوستانه‌ای مقابل او ایستاد، گفت‌وگو کرد. مجری سلام سینما در این مصاحبه تصویری از کریم‌پور می‌پرسد نظرش راجع‌به این واکنش‌های منفی برای مجوز کارگردانی او چیست، کریم‌پور پاسخ می‌دهد هنرمندها حرف مفت زیاد می‌زنند (قهقهه تمسخرآمیز خبرنگار و کریم‌پور به‌طور همزمان...) انتشار این مصاحبه که قبل و بعد از آن جمله توهین‌آمیز هم چیزی به جز لودگی‌های کریم‌پور و تشویق و تحسین‌های مجری سلام سینما نداشت، بر آتش خشم کسانی که منتقد این پروانه ساخت بودند، هیزم دوباره ریخت. اما بهمن حبشی، مدیرکل نظارت بر تولید فیلم و عضو شورای پروانه ساخت، در واکنش به انتقادات فراوانی که نسبت به صدور پروانه ساخت فیلم سینمایی برای کریم‌پور صورت گرفت، می‌گوید: «اخذ مجوز کارگردانی فیلم اول نیازمند امتیازاتی است؛ تمام سوابق متقاضیان بررسی می‌شود و با تایید شورا مجوز اعطا می‌شود. درمورد آقای محمدامین کریم‌پور هم تمام سوابق ایشان بررسی شد. مدرک تحصیلی ایشان فوق لیسانس سینما بود و تمام فیلم‌های کوتاه ایشان موردبررسی قرار گرفت. به این ترتیب صلاحیت‌سنجی انجام شد و امتیاز لازم برای کارگردانی فیلم اول را گرفتند. در مبحث فیلمنامه، اشکالاتی به فیلمنامه ایشان گرفته شد. آقای دکتر اربابی به‌عنوان ناظر، جلسات متعددی گذاشتند. آقای رضا کریمی (تهیه‌کننده فیلم کریم‌پور) فیلمنامه را بازنویسی کردند و اصلاحات را انجام دادند و بعد از اینکه اصلاحات انجام شد، دیروز گزارش نماینده شورا به شورا اعلام و عنوان شد که تایید این فیلمنامه بلامانع است. این که می‌گویند ایشان شاخ اینستاگرام است، دلیل نمی‌شود که ممنوعیت قضایی و کاری برای کسی تلقی شود. مردم حق دارند هرگونه تصمیمی برای خود بگیرند مگر اینکه جرمی واقع شده باشد. صلاحیت ایشان در یک جلسه بررسی شد و رای آورد. من که آقای امین کریم‌پور را نمی‌شناسم و تا دیشب نمی‌دانستم ایشان در اینستاگرام است. نمونه کار ایشان بررسی شد و رای صادر شد. یک نمونه هم نبود، چهار نمونه بود. یک کار در جنوب داشت که کار باارزشی بود و خوب ساخته شده بود. فردی مثل آقای جیرانی هم در آن جلسه بود و صلاحیت ایشان کاملا بررسی شد.»

گذشته از اینکه بسیاری از نمونه کارهای محمدامین کریم‌پور را مردم ایران در اینستاگرام دیده‌اند و حبشی درباره چیزی صحبت نمی‌کند که دیگران از آن نسبت به او کمتر اطلاع داشته باشند، بحث امتیازهایی که یک فیلم‌اولی برای کارگردانی باید دریافت کند هم در این فقره بسیار مبهم و پر از نکات شبهه‌برانگیز است. یک فیلم‌اولی باید لااقل ۶۰ امتیاز براساس جدولی به‌خصوص کسب کند تا بتواند پروانه ساخت بگیرد و این روال قانونی کار است. در طول سال‌های گذشته، علاقه‌مندان به دریافت مجوز کارگردانی با انواع و اقسام مسیرها و دست‌اندازها مواجه شده‌اند. از دریافت توصیه‌نامه گرفته تا ساخت فیلم کوتاه و دستیاری کارگردان‌ها، همه و همه موانعی بوده که معاونت سینمایی و سازمان سینمایی پیش‌پای فیلمسازان قرار می‌داد تا اصطلاحا از ورودی حوزه فیلم‌اولی بکاهد و این بخش کنترل شود. به‌علاوه، صیانت از شأن و منزلت سینماگران در بخش‌هایی مانند کارگردانی، تهیه‌کنندگی و بازیگری، توسط سخت‌گیری‌های فنی و کیفی، از وظایف وزارت ارشاد است. صدور پروانه ساخت تنها براساس نمونه کار، یک روش پر از حفره و شبهه است که امکان تقلب در آن توسط متقاضی بسیار بالاست. چه کسی بر روند تولید این نمونه کارها نظارت داشته تا بفهمد که واقعا توسط فردی که ادعا می‌شود ساخته شده‌اند و چطور می‌شود مطمئن بود که با اتکا به پول، سفارش ساخت این نمونه کارها به عوامل حرفه‌ای سپرده نشده است؟ از طرف دیگر چطور ممکن است وقتی امکان راستی‌آزمایی از ادعای مسئولان پروانه ساخت به‌هیچ‌وجه وجود ندارد، آنها توقع داشته باشند که با یکی-دو مصاحبه تمام آتش‌ها بخوابد؟ فیلم‌های محمدامین کریم‌پور کجا هستند که هیچ‌کس به جز اعضای شورای پروانه ساخت، آنها را ندیده و حتی خود کریم‌پور که در اینستاگرام تا این حد فعال است، هیچ‌وقت نخواسته یکی از فیلم‌های کوتاهش را در صفحه خود به اشتراک بگذارد؟

ادامه در صفحه ۱۳

ادامه از صفحه ۱۲

در پی واکنش‌های متعددی که به صدور پروانه ساخت فیلم سینمایی برای یک شاخ اینستاگرامی ایجاد شد، ما هم درباره این پروانه ساخت جنجالی، با مهدی نادری و حجت قاسم‌زاده‌اصل گفت‌وگو کردیم. آنها نظری برخلاف منوچهر هادی دارند. مهدی نادری که ۱۱ سال پیش با فیلم اولش «بدرود بغداد» بسیار درخشید و تا مراسم اسکار هم پیش رفت، مدت‌ها نتوانست فیلم بسازد تا اینکه در سال ۱۳۹۷ «سامورایی در برلین» از او اکران شد. او حالا می‌گوید سامورایی در برلین فیلم شخصی خودش نبوده و شرایط او را مجبور کرده است که برای بقا در سینما، چنین کاری بسازد. اتفاقا چیزی که نادری را مجبور کرد از بدرود بغداد به‌سمت سامورایی در برلین بیاید، همان وضعیت معیوب ساختاری در سینمای ایران است و همین وضعیت است که در صدور پروانه ساخت برای یک شاخ اینستاگرامی، به‌شدیدترین شکل ممکن نمادینه می‌شود و در کانون انتقادها قرار می‌گیرد. حجت قاسم‌زاده‌اصل هم با تله‌فیلم‌های درخشانی که ساخت، توجه خیلی از علاقه‌مندان سینما را به خود جلب کرد. او یک قصه‌گوی به‌شدت مبتکر است که بعد از ۲۳ سال کار در تلویزیون، به‌تازگی در مراحل پیش‌تولید اولین فیلم سینمایی‌اش قرار دارد. گفت‌وگو با کسانی مثل نادری و قاسم‌زاده که مدت زمانی بیشتری از سن کریم‌پور در سینما فعالیت کرده‌اند و بارها قابلیت‌هایشان را نشان داده‌اند، از این جهت به فهم وضعیت موجود کمک خواهد کرد که ببینیم اگر به‌واقع استعداد و توانایی هنری، ملاک تعیین موقعیت افراد در سینمای ایران بود، کار برای چنین افرادی تا به این اندازه مشکل نمی‌شد. در گفت‌وگو با این دو نفر راجع‌به راهکارهای برون‌رفت از وضعیت موجود هم پیشنهادهای قابل‌توجهی ارائه شده است.

مهدی نادری: سرمایه‌سالاری و توانایی لابی‌گری معیارهای امروز سینمای ایران برای ورود عوامل شده‌اند

مهم‌ترین مساله‌ای که درخصوص ورود افراد به سینمای ایران شاهد بودیم و هستیم؛ عدم شایسته‌سالاری در سینمای ایران است. مدیران سینمایی از یک جایی به بعد به‌دنبال پرحجم کردن تولیدات سینما بودند و محصول چنین تفکری این شد که ما شاهد ورود افرادی هستیم که شاید فقط در حد روابط عمومی یک اثر باشند اما حالا کارگردان شده‌اند. این مورد اخیر که جنجال هم به پا شده، نتیجه چنین بی‌دقتی‌هایی در سینماست.

یک فیلمساز وقتی وارد عرصه سینما می‌شود، بیشتر به خود هنر سینما فکر می‌کند و شاید در برقراری ارتباط برای ایجاد زمینه حرف‌ها ضعف‌هایی داشته باشد که البته این ضعف محتوایی نیست و بیشتر ضعف‌های اجرایی است. دولت و نهادهای صنفی موظفند برای تولید فیلم اول و استعدادهای اول اقدام کنند. وقتی کانال‌های شناسایی و حمایت از استعدادهای اول در سینمای ایران فعال باشد، قطعا استعدادهایی همچون محمد کارت و سعید روستایی در سینما ظهور می‌کنند و موفق خواهند شد. اینهایی که گفتم بچه‌های استخوان خردکرده فیلم کوتاه هستند و محصول فعالیت مستمر و موفق در سینمای کوتاه. البته که سینماگر نیاز به کشف دارد اما باید بتواند خودش را هم ثابت کند. اینجاست که کارکرد جاهایی مثل انجمن سینمای جوان، مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی و سازمان سینمایی مشخص می‌شود. اگرچه اینجا هم به‌خاطر سرمایه‌های محدودی که این سازمان‌ها دارند، ممکن است همان پولتیک سینمایی غالب شود و منابع به دست کسانی بیفتد که اهل لابی و پیگیری هستند و این وسط فیلمسازان جوان بااستعداد دیده نشوند اما این هم راه خودش را دارد. در اینجا سازمان‌هایی مثل انجمن سینمای جوان و مرکز گسترش می‌توانند از بین کسانی که فیلم اول و دوم خودشان را ساخته‌اند و ارتباط خوبی با جوان‌ترها دارند، کمک بگیرند. سازمان سینمایی می‌تواند از جریان فیلمسازان جوان سینمای ایران کمک بگیرد تا استعدادها را شناسایی و معرفی کند. ممکن است یک جوانی جمع گریز و روابط عمومی بالایی نداشته باشد اما بتواند فیلمساز خوبی باشد. هربار که استثنایی اتفاق افتاده و فیلمساز توانسته خودش را معرفی کند، اتفاق مبارکی در فیلم‌اولی‌ها رخ داده است. شما نگاه کنید جشنواره فیلم کن برای مرور سینمای ایران یکی از مغفول‌ترین آثار سینمای ایران را نشان می‌دهد. «شطرنج باد» یکی از مهم‌ترین آثار سینمای ایران است و محمدرضا اصلانی در ۲۸ سالگی این فیلم را ساخته اما این جای تعجب دارد که چرا این گونه سینمایی و چرا فیلمسازی مثل اصلانی هیچ‌گاه دیده نشد و فیلمسازی او ادامه پیدا نکرد. آقای اصلانی هنوز جوان است و در فریم به فریم فیلم‌هایش پختگی دارد. اصلانی شناخته شد ولی هیچ‌گاه حمایت نشد.

اتفاق دیگری که در این چند سال سینمای ایران افتاده، سرمایه‌سالاری است. طبیعی است که سرمایه‌گذاران سینما به بازگشت پول و سرمایه‌شان فکر کنند. محصول چنین شرایطی، گونه‌ای از سینمای سرگرمی است که این روزها شاهدش هستیم. تولیدکنندگان این شکل از سینما معمولا از کلیشه‌ها پیروی می‌کنند و سراغ اتفاق جدید نمی‌روند. شاید نوآوری‌ها از دید صاحبان سرمایه در حد طراحی لباس و لوکیشن‌ها باشد نه در معنا و محتوای یک اثر. سینمایی با چنین مختصاتی طبیعی است که آدم‌های هنری و کارگردان‌هایش را هم مبتنی‌بر همین ارزش‌های بازگشت سرمایه انتخاب کند. اتفاقا به‌خاطر همین وضعیت است که ما در این چند سال، پروژه‌هایی دیدیم که بازیگرانش هیچ ربطی به نقش ندارند ولی به‌خاطر اینکه این بازیگر فالوورهای بیشتری در اینستاگرام دارد، برای فیلم انتخاب شد. بالاخره آن سرمایه‌گذاری که پول گذاشته، دوست دارد سرمایه به جیبش بازگردد و ضرر نکند اما نتیجه‌اش چیزی نیست جز همان عدم تنوع در محصولات سینمایی. اگر به‌صورت ریشه‌ای‌تر به این مساله نگاه کنیم، بخش مهمی از یک‌شکل شدن محصولات سینمایی، به زیرساخت‌های سینمایی ما هم بازمی‌گردد. تعداد سالن‌های روشن سینمایی کم هستند و همین محدودیت در محل‌های اکران سینمایی محدودیت مخاطب را به‌همراه دارد. حالا در چنین وضعیتی که به‌لحاظ زیرساختی دچار مشکل است چه باید کرد؟ راه‌حلش این است که با کشورهای دیگری که در حوزه زیرساخت سینمایی و اکران قوی هستند، تولید مشترک داشته باشیم. اگر پیوند سینمایی ما با کشورهای دیگر درگیر شود، فیلم‌های ما در سبد اکران آنها هم قرار خواهد گرفت. ما هنوز سینمای بین‌المللی نداریم و همچنان بزرگ‌ترین سینماگر ما ملی است. ما در جشنواره‌ها از داخل کشور خودمان یک تصویر سینمایی به آنها نشان می‌دهیم و این سینمای ملی است، درحالی که باید با مضامین مشترک جهانی درگیر شد. از سینمای بدنه و سینمای تجاری که بیرون بیاییم، ساختار سینمایی ما در بخش‌های دیگر هم ایراد دارد. وقتی کسی می‌خواهد به‌سمت جهانی‌شدن برود، با او برخوردهای سلبی می‌شود. جنجالی که سر پذیرفته‌شدن خانم آبیار در آکادمی اسکار شد، نامه‌ای که نوشتند تا فیلم «محمد رسول‌الله» مجیدی در جشنواره مونترال پذیرفته نشود و امثال اینها برخوردهای سلبی هستند. با «بدرود بغداد» هم چنین کارهایی کردند. من موافق برخوردهای سلبی ازسوی اهالی سینما نیستم و به‌نظرم این درست نیست که عده‌ای جمع شوند برای اینکه کسی فیلم نسازد. مشکلات باید به‌صورت زیرساختی حل شود تا کار به اینجا نرسد. دامن‌زدن به چنین حاشیه‌های سینمایی ریشه در بی‌عدالتی یا ناشایسته‌سالاری دارد که حالا هم در سینما شاهدش هستیم.

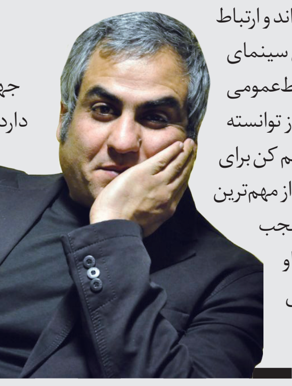

حجت قاسم‌زاده‌اصل: کریم‌پور اولین نفری نیست که با پول وارد سینمای ایران شد و آخرین نفر هم نخواهد بود

طوری گفته می‌شود و آنچنان شگفت زده به‌نظر می‌آییم که انگار اولین‌بار است چنین اتفاقی افتاده است. در این سینما کارگردانی داریم که تا اواخر دهه ۸۰ بوتیک داشته، کارگردانی داریم آژانس حمل‌بار داشته و... بدون هیچ سابقه‌ای در دنیای سینما و تلویزیون یک‌باره وارد شدند و هنوز هم هستند. نکته اینجاست که معمولا پشت ورود چنین افرادی همیشه کسانی بوده‌اند که ژست «فرزند سینما» بودن و «دغدغه صنفی» داشتن می‌گیرند. قضیه آقای محمدامین کریم‌پور همه ما را داخل وضعیت تناقض‌آمیز قرار داده است. از طرفی می‌گوییم همه باید بتوانند فیلم بسازند و اینکه شورایی بیاید به‌عده‌ای پروانه‌ساخت بدهد و به‌بقیه ندهد، درست نیست و معنی ندارد، از طرف دیگر می‌بینیم که به‌اصطلاح یک شاخ اینستاگرامی آمده و مجوز کارگردانی گرفته وعده‌ای اعتراض می‌کنند که چرا به او چنین مجوزی داده شده است. این یک پارادوکس اخلاقی است که داخل آن گیر افتاده‌ایم. از یک‌سو منتقد فیلترینگی مثل پروانه‌ساخت هستیم و آن را یک نوع ممیزی می‌دانیم و از سوی دیگر گمان می‌کنیم شخصی که چنین مجوزی را گرفته، این حقش نیست. نه فیلم نساختن آقای کریم‌پور باعث اعتلای سینمای ایران می‌شود، نه فیلم ساختنش باعث ابتذال و قهقرای این سینما خواهد شد. این تناقض سازمان سینمایی در برخورد با قضایاست که اینچنین بحرانی ایجاد می‌کند. ما دیده‌ایم که در سال‌های پیشین خیلی از همکاران سینمایی‌مان به‌خاطر فعالیت‌هایی بسیار کمتر از اینها که این آقا در اینستاگرام انجام داده، ممنوع‌الکار شده‌اند. اصلا منظورم این نیست که این کارها بد یا خوب است، یا آقای کریم‌پور کار نکند، شخصا مشکلی ندارم هرکسی هرطوری که راحت است و آسیب به جامعه نمی‌زند مدل زیستی‌اش را انتخاب کند، (چه‌چیزی بهتر از آزادی کردار و افکار آدم‌ها) فقط برای چرایی وجود چنین تناقضاتی جوابی ندارم، بلکه بیشتر سوال دارم.

آنچه می‌بینیم نتیجه برخورد کج‌ومعوج سازمان سینمایی با قضایاست. چندسال پیش فردی آمد و با پولی که مادرش داده بود فیلمی ساخت و رفت و البته دیگر در سینما باقی نماند و اثری از او نیست، برای او هم یکی از جاافتاده‌ترین سینماگران ایران تهیه‌کننده کارش شد. اگر تهیه‌کننده‌ها را دروازه ورودی این سینما بدانیم عامل معیوب شدن بسیاری از ساختارهای سینمایی ما بعضی از تهیه‌کننده‌هایمان هستند. خیلی از این تهیه‌کننده‌های مطرح الان را که سال‌ها پیش وارد سینما شده‌اند و مورد وثوق ساختارهای موجود هم هستند، در نظر بگیریم، اینها الان سد راه هرنوع تحولی در سینما شده‌اند، جوانانی که می‌خواهند کار اول‌شان را بسازند را اهل می‌دهند به‌سمت ساخت فیلم‌های کمدی. «ژانرکشی» را همین تهیه‌کنندگان قدیمی انجام دادند، نه کارگردانانی که مجبور به ساخت فیلم‌هایی شدند که هیچ‌چیزی به تاریخ سینمای ایران اضافه‌نکرد، اما تاریخ ابتذال را چاق‌تر و پروارتر کرد. چه‌خوش‌مان بیاید، چه‌بدمان بیاید الان پول حرف اول و آخر را می‌زند، شرایط اصلا عادلانه نیست. آدم‌هایی داریم که تا قبل از سال ۹۰ هیچ حضوری در هیچ‌جای هنر این کشور نداشتند، اما الان سالی یکی، دو فیلم یا سریال می‌سازند. وقتی ساختارها غلط هستند همه‌چیز را از چشم سازمان سینمایی نبینیم و نخواهیم حلقه ممیزی تنگ‌تر شود. آقای «محسن شمس»، پژوهشگر سینمای ایران، کاری سترگ انجام داده تحت‌عنوان «مطالعات محتوایی سینمای ایران»، طبق تحقیقات ایشان، از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۹۸ تعداد ۸۱۹ نفر فیلم سینمایی ساخته‌اند. ۳۵۴ نفر از این تعداد فقط یک فیلم ساخته‌اند، ۱۴۵ نفر دو فیلم و ۶۹ نفر سه فیلم و به فیلم چهارم نرسیده‌اند! با دیدن و آگاهی از این آمار از دیدن موردی مثل محمدامین کریم‌پور جانمی‌خوریم. از این موارد در همین سال‌های اخیر زیاد داشتیم. فقط درمورد کریم‌پور چون یک چهره اینستاگرامی است، توجهات بیشتری به‌سمتش جلب شد (که اتفاقا بیشتر به‌نفعش هست تا به‌ضررش) این موارد امنیت شغلی عوامل سینما را از بین می‌برد و قاعده «هر که پول دارد، می‌تواند فیلم بسازد» را حاکم خواهد کرد. الان افراد زیادی در بین جوان‌ها داریم که فیلم کوتاه ساختند و حتی به جشنواره‌ها رفته‌اند و جایزه هم گرفتند، اما فیلم بلند نمی‌توانند بسازند، چون سرمایه برایشان فراهم نمی‌شود. همین پارسال و امسال دو مورد را شاهد بودیم که تهیه‌کنندگان به‌نام سینمای ایران پول‌های کلان گرفتند و اجازه دادند کسانی فیلمساز شوند. مورد کریم‌پور می‌شود سومی. من نه محمدامین کریم‌پور را می‌شناسم و نه با شنیدن خبر اینکه او کارگردان می‌شود، جاخوردم. از این دست افراد طی این سال‌ها زیاد بودند و صرفا همین یکی بود که جلب توجه کرد. ایشان یک حرفی هم زد که «هنرمندها حرف مفت زیاد می‌زنند» و بیشتر باعث شد رویش حساسیت باشد، ولی به‌هرحال او اولین نفر نیست. او پول دارد و می‌خواهد فیلمش را بسازد و مطمئن باشید که می‌سازد. مگر افراد دیگر نساختند؟ فقط این مورد نشان می‌دهد که وجود نهادی به‌نام شورای پروانه‌ساخت کارکرد و لزومی ندارد و این شورا نتوانسته از شأن کارگردان بودن در سینمای ایران صیانت کند. این می‌تواند تلنگر خوبی باشد که تایید صلاحیت فنی و توانایی تکنیکال متقاضیان کارگردانی در سینما باید به «کانون کارگردانان سینمای ایران» واگذار شود. اعضای شورا می‌گویند که این آقا فیلمنامه خوبی نوشته است. ما آن را نخوانده‌ایم و نمی‌توانیم قضاوت کنیم و از طرفی این جمله هم خیلی بزرگ‌منشانه است که صبر کنیم تا فیلمش را بسازد و ببینیم چه از آب در می‌آید. مشکل عمده‌تر برخورد دوگانه سازمان سینمایی با قضایاست؛ مثلا همین که چطور به‌دلیل مواردی کوچک‌تر از این، همکاران ما ممنوع‌الکار شده‌اند، اما حالا ارشاد این‌طور سفت و سخت پشت مجوزش درمورد کریم‌پور می‌ایستد. امیدوارم فیلمی که وی قرار است بسازد، فیلم خوبی از آب در بیاید و به تاریخ سینمای ایران چیزکی اضافه کند.

بررسی وضعیت کارگردان در سینمای ایران (بلند سینمایی)

سال سینمایی		کارگردان	
از	تا		
۱۳۰۹	۱۳۵۸	کل	۲۸۴
		با یک فیلم	۱۲۱
		با دو فیلم	۴۱
		با سه فیلم	۲۷
۱۳۵۹	۱۳۹۸	کل	۸۱۹
		با یک فیلم	۳۵۴
		با دو فیلم	۱۴۵
		با سه فیلم	۶۹
۱۳۰۹	۱۳۹۸	کل	۱۱۰۳
		با یک فیلم	۴۷۵
		با دو فیلم	۱۸۶
		با سه فیلم	۹۶

برگرفته از پژوهش "مطالعات محتوایی سینمای ایران"

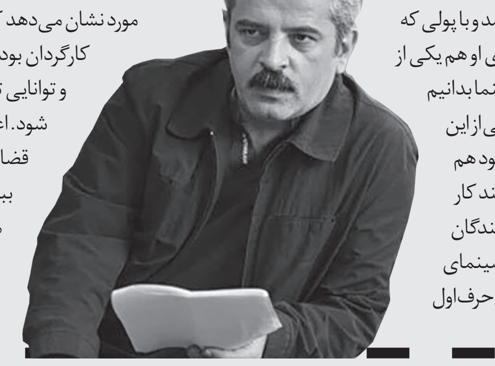

چیزی ندیده‌اند

محمود اربابی، حسین بلخاری، فریدون جیرانی و اکبر نبوی، کسانی هستند که از میان اعضای شورای پروانه ساخت با آنها تماس گرفتیم تا درباره این پروانه ساخت جنجالی صحبت کنند. آنها به‌طور علنی گفتند که مصاحبه در این خصوص برای اعضای شورای پروانه ساخت ممنوع شده است. حتی از طرف بعضی از آنها برخوردهایی تند و بسیار عصبی در قبال این پرسش صورت گرفت که نشان می‌داد جو به‌وجودآمده، آنها را به‌شدت کلافه کرده است. تنها کسی که غیر از بهمن حبشی در این‌باره صحبت کرد، محمدمهدی طباطبایی‌نژاد بود که در گفت‌وگویی کوتاه به فارس گفت رای به این پروانه ساخت با اکثریت قاطع آرا صادر شده است. این گفت‌وگو با این جمله طباطبایی‌نژاد درباره حواشی این اینفلوئنسر اینستاگرامی تمام می‌شود که می‌گوید: «من که چیزی ندیده‌ام!»

آقای کریم‌پور چگونه مجوز کارگردانی دریافت کرده‌است؟

همان‌طور که تا امروز بقیه کارگردانان مجوز ساخت دریافت کرده‌اند.

یعنی تمام شرایط لازم را داشته؟

ایشان کارشناسی‌ارشد سینما دارد. چهار نمونه فیلم کوتاه به شورا ارائه داده است که هفت نفر از اعضای شورا به آن رای مثبت داده‌اند.

هفت نفر بوده‌اند؟ آقای نبوی گفتند مدتی است به شورا نمی‌آیند؛ درست است؟

آقای نبوی کلا یک جلسه به شورا آمده است. ببینید! یک کارگردان متقاضی دریافت مجوز از شورا شده است. شورا هم با اکثریت قاطع آرا، کار وی را قبول کرده است.

آیا حواشی مربوط به فعالیت کریم‌پور در اینستاگرام تاثیری در نظر شورا نداشته است؟

خودم دیشب فهمیدم او در اینستاگرام هم فعال است! من اطلاع نداشتم اصلا ایشان چه کسی است. من امروز صبح صفحه ایشان در اینستاگرام را دیدم چون اصولا ما به این مسائل کاری نداریم.

منظورتان این است استعلام درباره فرد وظیفه شورا نیست؛ بله؟

چنین وظیفه‌ای نداریم. اگر کسی مجرم باشد، حراست به ما اعلام می‌کند. او منع قانونی نداشته است.

آیا امکان دارد این حواشی در نظر شورا تاثیر بگذارد؟

خیر! جرمی واقع نشده است.

به‌هرحال برخی فیلمسازان حواشی خاصی دارند؛ یک نفر هم اهل رقص باشد؛ ایرادی ندارد؟!

شاید اینی که شما می‌گویید، تهمت باشد.

ویدئوهایش به‌وفور درفضای مجازی منتشر شده است؛ ندیده‌اید؟!

من که چیزی ندیده‌ام.